
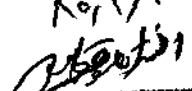


بسمه تعالی

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کروبی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه " اصلاح پاره ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب " که بنا به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۷ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد.


سید محمد خاتمی
۱۳۸۰
رئیس جمهور

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۸۵،۱۱،۵۷۶ صبح
تاریخ ثبت: ۸۵،۲،۲ عصر
اقدام کننده: 

۲۴۷۸

۱۳۸۰ / ۱ / ۲۹

رونوشت: دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور، شورای نگهبان، دفتر معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، وزارت دادگستری، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت و دفتر هیأت دولت.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

مقدمه توجیهی:

- نظر به محقق نشدن اهداف قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۳ - مشتمل بر دسترسی مستقیم مردم به قاضی و وحدت مراجع قضایی و تسریع دادرسی از طریق حذف داسرا و تعمیم صلاحیت دادگاهها برای رسیدگی به دعاوی حقوقی و جزایی؛

- باتوجه به بروز اشکالات ذیل:

- جانشین گردیدن مأموران ذی ربط نیروی انتظامی درعمل به جای داسرا و بالطبع ناآشنایی آنها به امور

حقوقی و جزایی و بروز پیامدهایی از جمله ناقص تشکیل شدن پرونده ها و اطاله دادرسی،

- عدم توجه به میزان تجربه و دانش قضایی قاضی در دعاوی مهم و پیچیده و نیز جدید و نادیده انگاشتن

دعاوی ناشی از تحولات صنعتی و فراملی و در نتیجه ملحوظ نگردیدن امر تخصص و تقسیم کار در

"واگذاری صلاحیت عام به قاضی دادگاههای عمومی"،

- صحیح نبودن رسیدگی به جرائم مهم و غیرمهم به طور یکسان و در یک مرجع و بالتبع زمینه سازی

برای عدم اجرای مطلوب عدالت و صادر نگردیدن احکام دقیق،

- تبدیل شدن دیوان عالی کشور به مرجع تجدیدنظر برخی از احکام حقوقی و کیفری، ضمن نداشتن

قدرت و اختیار لازم قانونی و در نتیجه عدم نظارت دیوان بر بسیاری از دادگاهها،

- وجود حق تجدیدنظرخواهی برای مقامها و اشخاص متعدد و بروز دشواری برای مختومه شدن پرونده ها

و آثار ناشی از آن از جمله افزایش حجم کار دادگستری و دادگاهها و اطاله دادرسی و ایجاد ناراحتی برای

اصحاب دعوا،

- بازداشتن رئیس دادگاه یا دادگستری از رسیدگی بیطرفانه به دلیل ورود آنان برای حفظ حقوق عامه و

تعقیب جرائم عمومی و پیگیری آنها در دادگاه و پس از صدور حکم تا اجرای آن؛

- با عنایت به سابقه داسرا و مانوس بودن مردم، قضات و حقوقدانان با آن؛

- در راستای رفع مشکلات و ایرادات فوق و با استنای به اصول زیر:

الف - تأسیس مجدد یک داسرا برای انجام تحقیقات مقدماتی و تعقیب جرائم عمومی و انقلابی،

ب - تقسیم دادگاههای عمومی به دادگاههای حقوقی و جزایی،

پ - تأسیس دادگاه کیفری مرکز استان برای رسیدگی به جرائم مهم،

ت - رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاههای عمومی و انقلاب در دادگاههای تجدیدنظر استان،



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

- ث - رسیدگی فرجامی نسبت به احکام دادگاههای کیفری و تجدید نظر استان در دیوان عالی کشور،
- ج - حذف مراحل موازی تجدیدنظرخواهی و متمرکز کردن آن به طور فوق العاده در دیوان عالی کشور،
- چ - رسیدگی به تجدید نظرهای فوق العاده در دیوان عالی کشور و لزوم تبعیت دادگاه تالی از رأی و استدلال دیوان عالی کشور در آن موارد،
- با توجه به اهمیت لایحه تنظیمی در اصلاح امور و از جمله ساختار قوه قضائیه، نظم قضایی کشور، تسریع در دادرسیها و دیگر مزایای آن؛
- و در اجرای بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، بالتفات به ماده (۱۸۸) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه - مصوب ۱۳۷۸ -؛ لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می شود:

لایحه "اصلاح پاره ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب"

ماده واحده - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۳ - به شرح ذیل اصلاح می گردد:

۱ - ماده (۱) به شرح ذیل اصلاح می شود:

"ماده ۱ - دادگاههای بدوی دادگستری به دادگاههای عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند. دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند مگر آنچه را که قانون استثنا کرده است و دادگاههای اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوی را ندارند، مگر آنچه را که قانون تصریح کرده باشد. دادگاه نظامی دادگاه اختصاصی است."

۲ - ماده (۳) و تبصره های (۲) و (۳) آن به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به عنوان تبصره های (۴) و (۵) به آن الحاق می گردد:

"ماده ۳ - در هر حوزه قضایی که دادگاه عمومی تشکیل شده یا بشود یک دادسرا نیز در معیت آن تشکیل می گردد. تشکیلات و حدود صلاحیت و وظایف و اختیارات دادسرای مذکور که "دادسرای عمومی و انقلاب" نامیده می شود، بر طبق قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۲۹۰ با اصلاحات بعدی - و قانون امور حسبی و سایر قوانین خواهد بود. دادسرای عمومی و انقلاب به کلیه امور حسبی و جرائم اعم از آنچه داخل در صلاحیت دادگاه عمومی یا انقلاب باشد مطابق قوانین یادشده رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

تبصره ۲ - رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می شود.

تبصره ۳ - جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰۰۰۰) ریال



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

می باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد. رئیس قوه قضاییه می تواند هر سه سال یک بار با توجه به نرخ تورم و سایر مقتضیات نسبت به مبلغ مذکور در این تبصره تجدیدنظر نماید.

تبصره ۲ - در صورتی که پس از رسیدگیهای مقدماتی در دادسرا نسبت به متهمی قرار مجرمیت صادر شود و دادستان با آن موافقت کند و یا در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان ، با تأیید مجرمیت توسط دادگاه حل اختلاف شود، دادستان کیفرخواست را به دادگاه صالح تقدیم خواهد نمود.

تبصره ۵ - جزایی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادسرا رسیدگی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید رأساً نسبت به انجام آن اقدام کند.

۳ - ماده (۴) به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:

"ماده ۴ - هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می شوند. دادگاههای عمومی جزایی فقط به امور کیفری و دادگاههای عمومی حقوقی صرفاً به امور حقوقی رسیدگی خواهند نمود. تقسیم دادگاههای عمومی به حقوقی و جزایی و تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی به امور خانواده و شعبی از دادگاههای جزایی برای رسیدگی به جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه است.

همچنین رئیس قوه قضاییه می تواند در صورت لزوم با لحاظ نوع دعوی و تجربه و تبحر قضات ، هر شعبه دادگاه عمومی جزایی یا حقوقی را به رسیدگی به دعوی جزایی یا حقوقی خاصی اختصاص دهد.

در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود.

تبصره ۱ - رسیدگی به جزایی که مجازات قانون آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ده سال و یا حد موجب قطع عضو است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود در دادگاه کیفری مرکز استان به عمل خواهد آمد.

به جرائم مقامهای مذکور در تبصره ماده (۸) لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی - مصوب ۱۳۵۸ - و جرائم وزرا و نمایندگان مجلس و کارکنان نیروهای مسلح از سرتیپ به بالادردادگاه کیفری مرکز استان تهران رسیدگی خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه به شعبه ای که جزایی گردیده، قبلاً پرونده حقوقی ارجاع شده باشد مکلف است به آن پرونده رسیدگی نماید و همچنین اگر به شعبه ای که حقوقی شده، قبلاً پرونده کیفری ارجاع گردیده باشد باید به آن پرونده رسیدگی کند.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

- ۴ - ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود:
- عبارت "و دادسراها" بعد از عبارت "قضات دادگاههای عمومی و انقلاب" اضافه می گردد.
- ۵ - تبصره ذیل به ماده (۹) افزوده می گردد:
- "صدور قرار از سوی دادسرا نیز باید مستدل و مستند به قانون یا شرع و اصول مبنای صدور آنها باشد. رعایت نمودن آن، تخلف انتظامی محسوب می شود."
- ۶ - در ماده (۱۰) عبارت "قاضی تحقیق" حذف و عبارت "دادرس علی البدل" جانشین آن می شود.
- ۷ - ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می شود:
- "ماده ۱۲ - در غیر مرکز استان، رئیس دادگستری، رئیس حوزه قضایی و رئیس کل دادگاههاست و در مرکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاههای تجدید نظر و کیفری مرکز استان است و بر کلیه دادگاهها و دادسراها و دادگستریهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادسرای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد."
- ۸ - متن زیر جانشین مفاد ماده (۱۳) شده، دو تبصره به عنوان تبصره های (۱) و (۲) به آن الحاق می گردد:
- "ماده ۱۳ - برای تأمین پایوران (کادر) قضایی دادسراها، رئیس قوه قضاییه از قضات تحقیق فعلی و دادرسان علی البدل دادگاهها و سایر قضاتی که مقتضی بداند استفاده خواهد نمود و شعبی از دادگاهها را که با تأسیس دادسرا غیر لازم تشخیص دهد منحل خواهد کرد و حتی الامکان حذف شعب اضافی از آخرین شعب دادگاهها انجام خواهد شد.
- تبصره ۱ - گروه شغلی "دادستانها" برابر گروه شغلی "رئیس دادگستری شهرستان" و گروه شغلی "دادستان تهران" برابر گروه شغلی "رئیس کل دادگستری استان تهران" خواهد بود.
- تبصره ۲ - گروه شغلی "معاون دادستان و بازپرس" برابر گروه شغلی "رئیس شعبه دادگاه عمومی" و گروه شغلی "دادیار" برابر گروه شغلی "دادرس علی البدل دادگاه" خواهد بود."
- ۹ - ماده (۱۴) و تبصره (۱) آن به شرح زیر اصلاح می شود:
- "ماده ۱۴ - الف - دادگاههای عمومی حقوقی اعم از دادگاه خانواده و غیر آن با حضور رئیس دادگاه و یا دادرس علی البدل تشکیل می شود و تمام اقدامات و تحقیقات به وسیله رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل وفق قانون آیین دادرسی مربوط انجام می گردد و اتخاذ تصمیم قضایی و انشای رأی با قاضی دادگاه است.
- ب - دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفرخواست وفق قانون آیین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

تبصره ۱ - هر گاه دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را از دادسرای مربوط درخواست کند.

۱۰ - ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:

"ماده ۱۵ - دادستان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چارچوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می نمایند."

۱۱ - متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدرالذکر افزوده می شود:

"ماده ۱۸ - آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر با فرجام همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی ذکر گردیده است. در مورد آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام، تجدیدنظرخواهی و فرجام بر طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری) و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین اینست که رأی بر خلاف نص و صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲ - درخواست تجدیدنظر نسبت به آرای قطعی مذکور در ماده فوق اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشد یا قانوناً قطعی باشد، و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که "شعبه تشخیص" نامیده می شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود.

در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یادشده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد.

تبصره ۳ - خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظرخواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص هزینه را پرداخت ننماید، شعبه تشخیص قرار رد درخواست او را صادر خواهد نمود. این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد. اگر تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید می باشد.

تبصره ۴ - از هیچ حکم قطعی یا قطعی شده بیش از یک بار نمی توان به علت خلاف بین درخواست تجدیدنظر نمود.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

تبصره ۵ - در مواردی که قانوناً دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) خواهد بود.

۱۲ - تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و سه تبصره زیر به آن ماده الحاق می گردد:

"تبصره ۱ - رسیدگی به جرائم جنایی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حد موجب قطع عضو و یا حبس بیش از ده سال باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور "دادگاه کیفری مرکز استان" نامیده می شود. دادگاه کیفری مرکز استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دایم باشد از پنج نفر (یک رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدیدنظر استان) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و یا قطع عضو و یا حداکثر مجازات قانونی آنها حبس موقت بیش از ده سال باشد از سه نفر (یک رئیس و دو مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدیدنظر استان) تشکیل می شود و وفق مقررات قوانین محاکم جنایی - مصوب ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹ - رسیدگی می نماید.

دادگاه کیفری مرکز استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد.

تبصره ۲ - در شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان هم می باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس دادگستری شهرستان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضایی است.

تبصره ۳ - حضور دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او در دادگاه کیفری مرکز استان الزامی است و در جنایات مهم دادستان باید شخصا در دادگاه حاضر شود.

۱۳ - ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود:

"ماده ۲۱ - مرجع تجدید نظر کلیه آرای دادگاههای عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب، دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضایی آن استان قرار دارند. آرای دادگاههای تجدیدنظر و آرای دادگاههای کیفری مرکز استان ظرف مهلت مقرر برای تجدیدنظرخواهی، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است."

۱۴ - ماده (۲۲) و تبصره های آن به شرح زیر اصلاح می گردد:

"ماده ۲۲ - رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به درخواست تجدیدنظر از احکام قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب وفق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آرای حقوقی وفق قانون آیین دادرسی مربوط خواهد بود.

تبصره ۱ - اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بیگناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد، هر چند که درخواست تجدیدنظر نکرده باشد.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

تبصره ۲ - دادگاه تجدیدنظر اگر پس از رسیدگی متهم را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً می تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که متهم تقاضای تجدیدنظر نکرده و فقط دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر نموده باشد.

تبصره ۳ - در امور کیفری مرجع تجدیدنظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدید نظر کرده باشد.

تبصره ۴ - اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر محاسبه محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه ای وارد نسازد، مرجع تجدیدنظر با اصلاح حکم آن را تأیید می نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد."

۱۵ - عبارت زیر به عنوان بند (ج) به قسمت (۲) ماده (۲۶) الحاق می گردد:

"ج - دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم."

۱۶ - ماده (۳۷) به شرح زیر اصلاح می شود:

"ماده ۳۷ - در مواردی که اجرای این قانون مستلزم تهیه آیین نامه باشد آیین نامه لازم در قوه قضائیه تهیه می شود و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه قابل اجرا خواهد بود."

۱۷ - دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه، اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید.

۱۸ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد نسخ و لغو می شود.

وزیر دادگستری

رئیس جمهور

وزیر امور اقتصادی و دارایی